



گھٹن يك كلمه يعنى چہ ؟

گفتن يك كلمه يعنى چه ؟

این کتاب برگیرنده کلام مهربابا از مجله ی بیدارکننده (The Awakener Magazine) می باشد
که به همت علی اکبر شاپور زمان یزدی (آلوبا) انتخاب، جمع آوری و ترجمه شده است

گروه فرهنگی، هنری و عرفانی مهرستان



گفتن یک کلمه یعنی چه؟

عنوان کتاب به فارسی:

عنوان کتاب به انگلیسی:

اوتار مهر بابا

نویسنده:

علی اکبر شاپور زمان یزدی (آلوبا)

مترجم

برگرفته از کلام اوتار مهر بابا

گروه مهرستان

ویراستار:

اول

نوبت چاپ الکترونیکی:

گروه مهرستان

ناشر:

تارنمای رسمی اوتار مهر بابا به زبان فارسی

محل نشر:

تیر ۱۳۹۳

تاریخ نشر:

همه‌ی حقوق این کتاب برای کانون اوتار مهر بابا، احمد نگر هندوستان محفوظ می‌باشد. هرگونه کپی برداری، تکثیر یا چاپ باید با اجازه‌ی رسمی کانون اوتار مهر بابا صورت پذیرد.

تارنمای رسمی اوتار مهر بابا به زبان فارسی
(گروه مهرستان)

گروه عرفانی، فرهنگی، هنری مهرستان



شماری از ایرانیان دوستدار اوتار مهربابا که خارج از ایران زندگی می‌کند، در تلاشند تا با گردآوری هر آنچه درباره‌ی اوتار مهربابای محبوبست، بتوانند راه دستیابی رهروانی را که در جستجوی مهربابا و جویای دانسته‌هایی در این راستا می‌باشند آسان نموده و از این راه وظیفه‌ی خود را هرچه نیکوتر انجام دهند.

امید است، برآیند این کوشش‌ها مورد پذیرش قرار گیرد و راه‌گشای دوستداران و جویندگان باشد. اینک، شمه‌ای از کارهای گروه مهرستان که بخشی از آن انجام شده و همچنان ادامه دارد به آگاهی می‌رسد:

- * گردآوری کتاب‌ها، ترجمه، ویرایش و چاپ آنها
- * گردآوری فیلم‌ها، ترجمه، تدوین و گذاشتن زیرنویس‌های فارسی و انگلیسی
- * گردآوری سروده‌ها و آهنگ‌های مهربابا، ساخت آهنگ، تنظیم و ترجمه‌ی آنها به فارسی
- * گردآوری و به اشتراک گذاری عکس‌ها
- * ساخت تارنمای اوتار مهربابا به زبان فارسی

(تنها تارنمای رسمی اوتار مهربابا به زبان فارسی)

شما می‌توانید، از طریق این تارنما به همگی موارد یاد شده در بالا دسترسی پیدا نموده یا به زودی از آنها بهره‌مند شوید.

استفاده از این مطلب‌ها در سایر تارنماها، وبلاگ‌ها و . . . با ذکر منبع آن آزادی باشد.

فهرست

۱. ۳۲ ص ۱، شماره اول سال اویکنر
۱. ۲ و ۱ ص ۴، شماره اول - مجله‌ی بیدار کننده، سال اول
۲. ۸۱ و ۸۲ ص ۳، شماره دوم - مجله‌ی بیدار کننده، سال دوم
۳. ۸۴ و ۸۳ ص ۳، شماره دوم - مجله‌ی بیدار کننده، سال دوم
۳. ۱۴ ص ۴، شماره سوم - مجله‌ی بیدار کننده، سال سوم
۳. ۱۷ ص ۴، شماره سوم - مجله‌ی بیدار کننده، سال سوم
۴. ۱۶ و ۱۷ ص ۳، شماره چهارم - مجله‌ی بیدار کننده، سال چهارم
۴. ۳۶ ص ۳، شماره چهارم - مجله‌ی بیدار کننده، سال چهارم
۴. ۲۳ ص ۲، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۴. ۲۸ ص ۲، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۵. ۳۰ ص ۲، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۵. ۳ و ۲ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۶. ۶ و ۵ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۶. ۳۳ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۶. ۳ و ۲ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۷. ۳۴ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۷. ۳۵ و ۳۴ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۷. ۳۵ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۸. ۳۵ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۸. ۳۵ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۸. ۳۵ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۸. ۳۶ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۹. ۳۶ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۹. ۳۶ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۹. ۳۸ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۱۰. ۳۹ ص ۴، شماره پنجم - مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم
۱۰. ۲۲ و ۲۱ ص ۱، شماره ششم - مجله‌ی بیدار کننده، سال ششم
۱۰. ۳۲ ص ۳، شماره ششم - مجله‌ی بیدار کننده، سال ششم
۱۰. ۲ و ۱ ص ۴، شماره ششم - مجله‌ی بیدار کننده، سال ششم

- مجله‌ی بیدار کننده، سال هفتم - شماره ۳، ص ۲ و ۳ ۱۱.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۱، ص ۲ و ۳ و ۴ ۱۱.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۶ ۱۳.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۶ ۱۳.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۷ ۱۴.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۸ و ۹ ۱۴.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال سوم - شماره ۴، ص ۱۴ ۱۴.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۳، ص ۵ و ۷ ۱۴.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۹ ۱۵.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۱۹ ۱۵.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۲ ۱۵.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۴ ۱۶.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۴ ۱۶.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۶ ۱۶.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۶ و ۳۷ ۱۶.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۴۱ ۱۷.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۴۵ و ۴۶ ۱۷.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۵۳ ۱۷.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۳، ص ۱۰ ۱۷.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۳، ص ۳۵ ۱۸.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۱۲ ۱۸.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۱۵ و ۱۶ ۱۸.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۱۶ ۱۹.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۲۲ و ۲۳ ۱۹.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۳۰ ۲۰.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۳۰ و ۳۱ ۲۰.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۱۹ ۲۰.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۰ ۲۰.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۱ ۲۰.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۳ ۲۱.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۶ ۲۱.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۲، ص ۱ ۲۱.

- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۲، ص ۴۰ ۲۱.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۳، ص ۲۰ الي ۲۲ ۲۲.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۳، ص ۲۲ ۲۲.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۳، ص ۲۳ الي ۲۵ ۲۳.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۴، ص ۱۴ ۲۴.
- دیویاوانی سال ۲ - شماره ۳، ص ۱، مي ۱۹۶۵ ۲۴.
- دیویاوانی سال ۳ - شماره ۱، ص ۲۴، جولاي ۱۹۶۳ ۲۴.
- دیویاوانی سال ۳ - شماره ۲، ص ۱۶، اکتبر ۱۹۶۳ ۲۵.
- دیویاوانی سال ۱ - شماره ۵ و ۶، ص ۱۱، سپتامبر ۱۹۶۴ ۲۵.
- برگرفته از کتاب همه چیز و هیچ چیز، پاراگراف ۴۵، ص ۴۸، چاپ استرالیا ۲۵.
- برگرفته از کتاب «با خدا بمان (Stay With God)»، اثر فرانسیس برابازان، ص ۶۵ و ۶۶ ۲۵.
- برگرفته از کتاب «خدا - انسان» ۲۷.
- برگرفته از کتاب «خدا - انسان» ۲۷.
- برگرفته از کتاب «خدا - انسان» و مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم، شماره ۱، ص ۳۴ ۲۷.
- برگرفته از کتاب «خدا - انسان» ۲۸.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۳۴ ۲۸.
- مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۲۱ ۲۸.
- آرتی ۲۹.

اویکنر سال اول شماره ۱، ص ۳۲

کسانی که روحاً بیدارند، مدتی است آگاه‌اند که دنیا در حال حاضر در دوره‌ای به سر می‌برد که طرفداران ظهور اوتار (صاحب‌الزمان) آن را پیش‌بینی می‌کردند. حتی مردان و زنان گمراه نیز به حقیقت این موضوع پی برده‌اند و از تاریکی و ظلمت به طرف حقیقت و روشنایی پیش می‌آیند. در عین غم و اندوه، خواستار آرامش و رفاه‌اند. درحالی‌که خود را با ناراحتی و جدال گریبان‌گیر می‌یابند، از خداوند خواهان‌اند که اشعه امید و نجات بدرخشد و جان و زندگانی‌شان را از این ظلمت و آشوب برهاند تا آسوده نفس راحتی بکشند.

ایشان باید فعلاً صبر کنند. موج تخریب و تباهی باید بلندتر و خروشان‌تر گردد، هنوز باید بیشتر و پیش‌تر و دورتر توسعه یابد.

به‌مجردی که بشر از صمیم قلب و خلوص نیت مشتاق چیزی شود که بیش از ثروت ارزش دارد، جویای چیزی گردد که حقیقی و ارزنده‌تر از مال و ثروت دنیوی است، آن‌وقت امواج هلاکت و خونریزی عقب‌نشینی نموده و دور خواهد شد.

پس از آن امنیت کامل و جاوید می‌رسد. دوره خوشی و آرامش واقعی می‌آید. نور امید خواهد تابید. ختم سکوت من که خود علامت ظهور من است، چندان دور نیست. من بزرگ‌ترین گنجی را می‌آورم که بشر امکان به دست آوردنش را دارد. خزینۀ‌ای که خزینۀ‌های دیگر پشتوانه آن‌اند و این ثروت خداداده همیشگی بوده و چون با سایرین قسمت شود، افزون می‌گردد. آماده به دست آوردن آن باشید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال اول - شماره ۴، ص ۱ و ۲

کلمه‌ی کلمات: وقتی می‌گویم ظهور من در جهان مربوط به ختم سکوت من است، مردم نباید منتظر سخنان طولانی باشند. تمام گفتار من فقط يك کلمه بوده و آن کلمه‌ی کلمات است و همین کلمه، حالت اناالحق (من خدا هستم) را مستقیماً به کسانی خواهد داد که آمادگی آن را دارند.

وقتی شما بکوشید با دهان کاملاً بسته صحبت کنید، بدون استثناء صدایی مخصوص و شبیه ام (هو) بیان می‌گردد، این هفتمین سایه یا انعکاس کلمه حقیقت است. مأموریت دنیوی من بیان این کلمه خدایی است و آن از افکار مردم گذر نموده و یکسره بر قلوب ایشان‌جای می‌گیرد. آن کلمه، حقیقتی ساده و بی‌ریا را که غیرقابل تشریح و تعریف است، واضح و آشکار خواهد ساخت. آن کلمه، لحظه‌ای که تکمیل شود و بیان گردد، زندگی خدایی را نشان داده و اعلام خواهد کرد و همین کلمه درهای جدیدی به‌سوی ابدیت، به رویمان خواهد گشود و آن برای افراد مایوس امیدواری خواهد آورد، اما لازمه اجرای نقشه الهی آن است که بشر مشکلات را رها سازد و خود را بدون قید و شرط، تسلیم عشقی پایدار به پروردگار که اعلی‌ترین معشوق ابدی است نماید.

با نهایت سادگی و آسانی باید به وجود خدا پی برد نه با تحقیقات دردرس آور علمی و فلسفی. کلمه‌ای که بر زبانی جاری خواهم کرد، کلمه‌ای است از خداوند نه از يك فیلسوف، آن یکسره به دل‌ها

خواهد نشست و باعث طلوع معرفت و پی بردن به یگانه بودن تمام جان‌ها می‌شود. نفرت و اختلافات به پایان خواهد رسید، عشق حقیقی و معرفت جاویدان در دل‌ها تولید خواهد شد، در نتیجه افراد بشر احساس برادری نموده و بر اساس شناسایی وحدت یکتا، با یکدیگر متحد خواهند گشت.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دوم - شماره ۳، ص ۸۲ و ۸۱

زمان نابودی که قبلاً پیش‌بینی شده بود، فرارسیده و شعله‌های سوزانش انواع اختلافات و دسته‌بندی‌هایی که باعث تفرقه مابین بشر شده و آنان را از تجربه احساس اتحاد و برادری دور داشته، نیست و نابود می‌گرداند.

این تباهی که به‌زودی فرا خواهد رسید، باعث نابود شدن سه قسمت دنیا می‌گردد و یک چهارم باقیمانده را به هم نزدیک و متفق خواهد کرد تا بتوانند به‌طور مشترک و درک یکنواخت با یکدیگر زندگی کنند. با این رویه، احساسات یگانگی را در نوع بشر برافروخته و آن‌ها را به‌سوی شادمانی بادوامی رهبری خواهد نمود.

پیش از ختم سکوت من یا بلافاصله پس از آن، سه چهارم جهان نابود خواهند شد، برای اینکه تمام این‌ها به انجام رسد، من به‌زودی سکوت خودم را خاتمه خواهم داد.

من آمده‌ام تخم مهر و محبت را در دل‌هایتان بکارم تا باوجود تمام اختلافات ظاهری که جان شما در این زندگانی مجازی باید تجربه نموده و تحمل کند، احساس یگانگی و محبت را بین تمام کشورهای دنیا و افراد با عقیده‌های و مذاهب متفاوت جهان فراهم گرداند.

برای انجام دادن آن درصدد شکستن سکوت خود می‌باشم. زمانی که سکوتم را بشکنم، گوش‌های شما را از سخنرانی‌های روحانی پر نمی‌کنم، من فقط یک کلمه خواهم گفت و این کلمه به قلب تمام افراد بشر نفوذ و اثر می‌کند، حتی شخص گناهکار نیز درمی‌یابد که مقصود از آفرینش او چیست و شخص مقدس به این حقیقت پی خواهد برد که خدایی که در او است، همان خدا و به همان کیفیتی است که در شخص گناهکار موجود است.

زمانی که آن کلمه را گویا شوم، اساس آنچه را که در ظرف ۷۰۰ سال آینده در جهان واقع‌شدنی است، پی‌ریزی خواهم کرد. پس از ۷۰۰ سال وقتی دوباره به این عالم می‌آیم، شعور {فهم و ادراک بشر} به اوج درجه رسیده و خواهش‌های نفسانی خودبه‌خود به اشتیاق روحانی مبدل گشته و احساس مساوات و برادری در میان افراد بشر حکم‌فرما می‌گردد، یعنی ثروتمندی و فقر، حسادت و نفرت که امروزه به حد زیاد نمایان گشته، پس از آن با حس برابری و برادری حل و نابود گشته و نور سعادت و شادمانی و رفاه، جای آن را خواهد گرفت.

ظهورم در عالم به‌عنوان صاحب‌الزمان کم‌دوام بوده و این ایام کوتاه و زودگذر، شامل توهین و تحقیر من، ختم سکوت من، تجلیل و اعزاز من و ختم زندگی من بر اثر ضربت شدید خواهد بود.

در ظرف این مدت زودگذر، کلمه‌ی کلمات من به قلب تمام افراد بشر اثر نموده و این تأثیر خدایی، خودبه‌خود احساس مساوات را به دل‌ها تزریق و تا ۷۰۰ سال، همین حس بر دل‌ها حکم‌فرما است و

نفرت و حرص و حسد که پرورش دهنده تمام رنج‌ها و عذاب روحی است، از قلوب به دور رانده شده و جای آن را شادمانی و مسرت خواهد گرفت.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دوم - شماره ۳، ص ۸۳ و ۸۴

دوستداران من و بسیاری دیگر از مردم بی‌جهت گیج شده و گفتارم را به طرق مختلف تعبیر می‌کردند، هر کس آزاد است پیام مرا هر طوری که به فکرش درست می‌آید، معنی و تفسیر کند؛ اما هر وقت حرفی می‌زنم، طبعاً من زبان خودم را به کار می‌برم و هر آنچه من گفته‌ام عین حقیقت است، زبان من طوری است که هیچ‌کس قادر نیست معنی نهفته آن را دریافته و درک کند، بنابراین وقتی مطلبی را بیان می‌کنم مجبورم به زبان شما صحبت کنم و به‌خوبی می‌دانم که هرگاه من تنها زبان خودم را به کار می‌بردم، شما هیچ درک نمی‌کردید.

«شکستن سکوت و ایراد کلمه‌ی کلمات»: این به زبان خودم گفته شده و درعین حال به زبان شما، زیرا وقتی آن کلمه را گویا شوم، شما نیز آن را می‌شنوید. «تباهی سه‌چهارم دنیا»: این تنها به زبان خودم گفته شده بود. «ضربت خنجر بر پشت من»: این فقط به زبان خودم گفته شده بود. «رها کردن پیکرم (رحلت از دنیا)»: این هم به زبان خودم و هم به زبان شما گفته شده است.

بنابراین هر آنچه به زبان شما گفته‌ام، شما قادرید معنی آن را دریافته و درک نمایید که چه گفته شده اما آنچه به زبان خودم گفته‌ام، غیرممکن است شما بتوانید آن را دریابید، اگرچه همه‌ی شما کوشش‌ها نمایید که از معنی نهفته آن باخبر شوید.

تنها حدوث و افعات به‌مرورزمان می‌تواند هر آنچه به زبان خودم گفته‌ام را ظاهر و مشخص سازد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال سوم - شماره ۴، ص ۱۴

من تنها معجزه‌ای بی‌نظیر و غیرقابل مقایسه انجام خواهم داد و آن در وقت ختم سکوت من صورت می‌گیرد. من مثل يك شیر هستم ولی در این حال مانند شیر محبوس در قفس، کسانی که به شناسایی من پی برده‌اند، اطلاع کمی از نیروی من حاصل می‌کنند، وقتی من حرف بزنم، از قفس بیرون آمده و شما به قدرت و نیروی روحانی من پی برده و آگاه خواهید شد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال سوم - شماره ۴، ص ۱۷

من به شما خواهم آموخت که چگونه در دنیا حرکت و زندگی کنید و درعین حال همیشه باطناً با من به‌طور يك هستی نامحدود مشترك باشید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال چهارم - شماره ۳، ص ۱۶ و ۱۷

يك خبرنگار از بابا پرسید ما تفاسیر زیادی در خصوص شکستن سکوتتان داریم، آیا يك بیانیه پر معنی تر از قبل دارید؟

بابا جواب دادند: «این يك موجودیت است، زمانی که من سکوتم را می‌شکنم، دنیا خواهد فهمید که من همان کسی هستم که تمام مردم جهان منتظرش بوده‌اند.»

خبرنگار: «چه الهامی شما را بر آن داشت که سکوت اختیار کنید؟»

بابا: «وادر کردن جهانیان به شناسایی خود پس از ختم سکوت.»

خبرنگار: «در چه شرایطی شما سکوت اختیار کردید؟ آیا شما نوعی تصور و خیال داشتید یا اینکه پیامی دارا بودید؟»

بابا: «دانش من. لازم نیست در این باره فکر کنم زیرا آن را می‌دانم. وقتی که در اول سکوت خودم را شروع نمودم، می‌دانستم زمانی که سکوت خود را می‌شکنم، دنیا مرا خواهد شناخت، بنابراین شروع به سکوت نمودم.»

مجله‌ی بیدار کننده، سال چهارم - شماره ۳، ص ۳۶

ختم سکوت من، توهین و سرزنش من، تجلیل و اعزاز من و ظهور من در دنیا، تمام این‌ها به‌طوری که سابقاً اعلان کرده‌ام، در مدتی کم و سریع واقع خواهد شد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۲، ص ۲۳

به مجرد شکستن سکوت و گفتن آن واژه اصلی، اولین و آخرین معجزه بابا در این زندگی صورت گرفته و ظاهر خواهد شد. وقتی که آن معجزه انجام گیرد، من مرده را زنده نمی‌کنم بلکه کسانی که به حب دنیوی زنده‌اند، این حب را در دلشان کشته تا بامحبت حقیقی و دوستی واقعی برای خدا زنده مانده و زندگانی کنند.

من به کوران بینایی عطا نخواهم کرد، بلکه مردم را وادر خواهم کرد که از دیدن عالم مجاز نابینا شوند و ایشان را مجبور خواهم نمود که خدا را به‌طور حقیقت ذات خدایی ببینند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۲، ص ۲۸

من از سکوت خود منزجر شده و به جان آمده‌ام و باید سکوت خود را به‌زودی بشکنم. همه‌ی شما که با من تماس گرفته‌اید، با نظر اجمالی مرا خواهید دید. بعضی خیلی کم و عده کمی بیشتر و معدودی باز هم بیشتر مرا خواهید دید.

هنگامی که کلید کارخانه برق‌زده می‌شود، هر جایی که لامپ موجود باشد، در صورتی که به کارخانه

برق متصل باشند، همگی روشن می گردند، لامپ های کم شمع، نورشان کم و نور حاصله از لامپ های با وات بالا زیاد و هرگاه لامپ سوخته باشد، به کلی روشن نخواهد شد.

مجله ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۲، ص ۳۰

آقای "و" پرسید: «آیا به دوستداران بابا از محل و وقت شکستن سکوت اطلاع داده می شود؟» بابا: «آقای "و"، عزیز من اگر این است معنی شکستن سکوت، بهتر است که من سکوت را نشکنم. همه کس باخبر و آگاه خواهند شد، به طوری که شب گذشته به شما گفتم، وقتی کلید کارخانه برق زده شود، تمام کسانی که از آن الکتریسیته انشعاب دارند، از روشنایی بهره خواهند برد؛ بنابراین نه تنها همین جا بلکه تمام افراد جهان باخبر خواهند شد؛ اما لامپ های سوخته و از کار افتاده روشنایی نخواهند داد، بدین جهت است که به همه ی شما می گویم که مرا بیشتر دوست بدارید.

گرچه بحث علمی و ادبی خوب و مفید است اما زمان زدن کلید کارخانه برق به اندازه ای نزدیک رسیده که هم اکنون تنها چیزی که دارای اهمیت می باشد، محبت و مهرورزی است.

مجله ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۲ و ۳

من دوباره تکرار می کنم که احکام و قوانینی به بشر نخواهم داد. من برای پخش امواج حقیقت بین افراد بشر به این دنیا آمده ام. زندگی هر یک از افراد، به صورت یک قانون زنده در می آید. کلمات نگفته و بیاناتی که ایراد نکرده ام، در این امواج زنده شده و شامل زندگی روزانه آن ها خواهد گشت.

من با حجاب غفلت و نادانی شما، خودم را مخفی و پنهان می نمایم و نور و جلال خود را به یک عده معدودی نشان می دهم. این پیکر کنونی اوتاری من نتیجه آخرین تجسم این دوره می باشد، بنابراین ظهور عالم گیر من بزرگترین ظهور خواهد بود.

وقتی که من سکوت خود را بشکنم، اصابت محبت من بر اثر و عالم گیر خواهد بود، تمام جان ها در آفرینش از آن باخبر گشته و بهره خواهند برد. هر فردی را یاری خواهد کرد که قیدوبند راه خود را پاره کرده و خویش را نجات دهد. من آن معشوق ربانی هستم و شما را بیش از آن حد دوست می دارم که شما هرگز بتوانید تا آن اندازه دوستدار خود باشید.

شکستن سکوت من به شما کمک خواهد کرد تا با شناسایی نفس خود به خویشتن یاری نمایید.

کلیه آشوب های دنیوی ناگزیر و وقوع پذیر بود و هیچ کس مقصر نیست، آنچه بایست اتفاق می افتاد، پیش آمده است و آنچه باید در آینده اتفاق افتد نیز به وقوع خواهد پیوست، چاره ای نبود مگر اینکه من بایستی به میان شما آیم، مجبور بودم که بیایم و حالا آمده ام. من آن یکتای (هستی) قدیمی می باشم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۵ و ۶

حقیقت خدا را نمی‌توان ندانسته گرفت و از آن غافل بود، چون با نادانی و ضعف بشر، عکس‌العملی مهیب برخلاف نظام زندگی حاصل می‌گردد و در نتیجه بشر خود را در چنگال مصائب و جنگ‌ها، اختلاف‌های فکری و طغیان طبیعت به شکل سیلاب، زلزله، آفات و تباهی‌های دیگر گرفتار می‌یابد. سرانجام وقتی این‌ها به نهایت خود رسید، خدا دوباره در جسم انسان ظهور می‌کند تا راهنمای بشر برای نجات از نابودی و بدیهایی که از خود آن‌ها به وجود آمده گردد و انسان‌ها دوباره به‌سوی حقیقت خداوندی بازگردند.

ختم سکوت من که به‌زودی به وقوع خواهد پیوست، برای نجات بشر از قوای تبهکار و دیرینه جهالت و همچنین اجرای نقشه تکمیل عالم وحدت می‌باشد.

ختم سکوت من یکتایی خدا را به انسان ظاهر خواهد کرد و موجب فراهم کردن عالم برادری مابین افراد بشر در سراسر دنیا خواهد بود.

اختیار نمودن سکوت برای من امری ناگزیر بود، ختم کردن سکوت برایم امری است اجباری و من باید سکوت‌م را سروقت مقرر شده بشکنم و به‌زودی آن را خواهم شکست.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۳

من به این جسم، محدود و محصور نیستم، بلکه این جسم را به‌منزله جامه به کار می‌برم تا خود را در نظر شما بیاورم و به‌وسیله همین جسم با شما صحبت کنم و خود را نشان دهم.

نکوشید که مرا درك کنید و به کنه ذات من پی برید، زیرا ادراك شما قادر نیست به کنه ذات من دست یابد. حقیقت من ورای قیاس و ادراك است. فقط مرا دوست بدارید. من مدام از حالت شعور مسیحایی، مسرور و برخوردارم و زمانی که سخن بگویم، ذات حقیقی خود را فاش خواهم کرد و علاوه بر سوق دادن دنیا با يك تکان محکم به‌سوی حقیقت، تمام کسانی را که به طرفم می‌آیند به شعاع حقیقت و ذات خدا راهنمایی خواهم کرد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۲ و ۳

من قصد دارم وقتی که حرف بزنم آن ذات واحد اعلی را که در همه‌کس وجود دارد، ظاهر و هویدا سازم. با انجام این کار، فکر و خیال خودی موجود، محدود و به‌تدریج ناپدید خواهد شد و به‌این ترتیب منافع شخصی هم محو و نابود می‌گردد و تعاون و همکاری، جانشین رقابت و زیاده‌طلبی خواهد شد. همچنین اطمینان‌جایگزین ترس و خوف و داد و دهش جایگزین حرص و آز گشته، بهره‌برداری و سود طلبی از میان برداشته خواهد شد. منفعی که در موقع تکان روحانی دنیا، به ملل و ممالک مختلف تعلق می‌گیرد، به نسبت نیرویی است که هر يك دارا می‌باشند.

این نیرو هر اندازه باشد ولو اینکه مورد سوءاستفاده واقع شود، نتیجه به همان نسبت خواهد بود. وقتی که من حرف بزمن، قوای روحانی من به اثبات خواهد رسید و توانایی من در منور کردن دل‌ها عیان خواهد گشت. مردم به این حقیقت پی خواهند برد که مبدأ و سرمنشأ تمام هستی‌ها و محبت‌ها، حقیقت است و این حقیقت در تمام مراحل زندگی ما با شأن و جلال حکم‌فرما است. وقتی که خدا (به شکل بشر) حرف می‌زند، حقیقت‌ها با قوای زیادتری نسبت به زمانی که او دیدار یا تماس را برای تبلیغ حقیقت به کار می‌برد، ظاهر و عیان می‌شود، به همین علت پیغمبران معمولاً مدتی سکوت اختیار می‌کنند که تا چند سال ادامه می‌یابد و فقط وقتی سکوت را می‌شکنند که مایل‌اند مشیت الهی را در عالم هویدا سازند و پس از آن تحولاتی در شعور عالم‌گیر ایجاد می‌شود.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۴

تقریباً ۴۲ سال است که کلمه‌ای از لبانم جاری نشده است، باوجوداین من هرگز ساکت نیستم، من همیشه حرف می‌زنم، صدایی که در اعماق جان شنیده می‌شود، آواز من است. آن صدای وحی و الهام و راهنمایی می‌باشد.

من توسط این صدا با کسانی که آن را درك می‌کنند، حرف می‌زنم. فقط برای سعادت نوع بشر، من سکوت اختیار و آن را ادامه می‌دهم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۴ و ۳۵

الهی، خدا، که مسیحیان او را گاد، مسلمانان او را الله، زرتشتیان او را اهورامزدا، هندوها او را ایشور، پرماتما و بسیاری از نام‌های دیگر می‌نامند، بابا را به شکستن سکوتش قادر بگرداند تا اولین و آخرین کلمه که سراسر حقیقت را در آغوش خود دارد بگوید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۵

زمانی که من در آمریکا بودم، مردم سؤال می‌کردند که چه وقت سکوت خودم را خواهم شکست. من از خودشان سؤال می‌کردم که اگر از سکوت من چیزی درك نمی‌کنند، گفتارهای زبانی چه فایده‌ای خواهند داشت؟

وقتی خدا دانست که حرف زدن من در تمام جهان شنیده می‌شود، او مرا وادار به ختم سکوتم خواهد کرد.

به‌هرحال چه در حال سکوت و چه در ختم سکوت، هر کس به حقیقتی که من بیان کرده‌ام، در اعماق قلب خود خوب بر آن غور نماید، سرانجام با زندگی جاوید هم‌آغوش می‌گردد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۵

وقت و زمانکه اشاره‌کننده آغاز و انجام است، در ابدیت خدا وجود ندارد؛ مانند فضای نامتناهی، زمان برای من هستی ندارد و حال حاضر با سرعتی زیاد، يك نقطه اتصال پایان و آغاز دور قدیم و دور جدید را پیش می‌آورد؛ بنابراین اکنون یک‌زمان بسیار مناسب برای ظهور دوباره خدا در عالم فرارسیده است، این ظهور جدید نیرویی تازه در پیکر حقیقت‌های کهنه خواهد دمید. گرچه مسائل سیاسی، اقتصادی و جنسی به‌طور مستقیم مربوط به خدا نیست، ولی در لحظه‌ای که خدا حرف می‌زند، تمام مسائل جهانی خودبه‌خود حل شده و صورت مناسبی به خود می‌گیرند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۵

حالا (چون در خوش‌ترین حالت هستم) می‌توانم بگویم که به‌زودی حتماً خدا مرا وادار به ختم سکوت خواهد کرد و معنی آن این است که خدا خودش را ظاهر می‌کند و پس از آن در مدتی خیلی کم، توهین و تحقیر، اعزاز و تجلیل من پیش خواهد آمد و آن منجر خواهد شد به ضربت شدیدی بر جسم من که باعث مرگ و رحلت من از دنیا می‌گردد.

پس از ۷۰۰ سال دوباره من به این دنیا برمی‌گردم، حالا می‌توانم این را بگویم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۵

خدا مرا وادار به سرودن اولین نغمه اصلی خواهد کرد و کسانی که مرا دوست دارند، در آن ترانه سررشته هوش و حواس را از دست خواهند داد و مرا در همه‌کس خواهند یافت. زمانی که من ختم سکوت نمایم، بزرگ‌ترین معجزه همه ایام در جهان هویدا خواهد شد. قابل و لایق به دست آوردن عنایات خدایی شوید و از هم‌اکنون مهبای به دست آوردن آن عنایت گردید. من حقیقتاً غلام دوستداران حقیقی خود می‌باشم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۶

گرچه من ساکت به نظر می‌آیم، من توسط همه‌ی شما حرف می‌زنم، من تمام ایام خاموش و ساکت و درعین حال به‌طور پیوسته حرف می‌زنم، ولی وقت آن فرارسیده است که به‌زودی من این سکوت ظاهری خود را شکسته و پس از آن کسانی که مرا دوست دارند، ذات حقیقی مرا خواهند دید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۶

من به یاد رهانی می‌افتم که اولین نغمه ازلی را در عمرهای پیش سروده است و آن نغمه، این کائنات با آفریده‌های عجیب آن را به وجود آورد.

خدا به زودی مرا وادار به شکستن سکوت نموده و آن اولین ترانه حقیقی دوباره سروده خواهد شد و بر اثر آن جهانیان درک خواهند کرد که فقط خدا حقیقی است و هر یک از ما جاویدان با خدا یکی هستیم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۶

چون می‌گویم ظهورم بستگی به ختم سکوت دارد، مردم نباید منتظر سخنان طولی از من باشند. من فقط گوینده کلمه‌ی کلمات بوده و این کلمه به کسانی که آمادگی دارند، حالت و مرتبه اناالحق عطا خواهد کرد.

مأموریت دنیوی من ذکر این کلمه حقیقت است که در قلب جهانیان نفوذ و به مرکز خود بازگشت خواهد نمود. کلمه‌ی کلمات یک حقیقت ساده و آشکار و غیرقابل انکار برای ما خواهد آورد.

لحظه تکمیل این کلمه، زندگی خدایی به جهانیان نشان داده خواهد شد. این ختم سکوت راهی به عالم ازلی و جاویدان خواهد گشود و برای انسان مأیوس، از نو بشارت و امید خواهد آورد. کلمه‌ای که من خواهم گفت، کلمه خدایی است نه فیلسوفانه، این کلمه یکسره در قلب افراد بشر جای خواهد گرفت.

با طلوع شناسایی و درک وحدت وجود، نفرت و حقارت به پایان خواهد رسید، محبتی بی‌آلایش نسبت به یکدیگر شروع و به حقوق ممنوع پی برده و افراد بشر، برادروار با عزت و شرافت بر اساس درک وحدانیت خدا متفق و متحد خواهند شد.

وقتی من به سکوت خاتمه دهم، تمام بیاناتم فقط یک کلمه خدایی است ولی آن کلمه‌ی کلمات یا ظهور حقیقت است. این کلمه را باید توسط جان شنید، نه فقط توسط دل، این کلمه در اعماق جان شما وارد و به شما بیداری تازه‌ای دست خواهد داد.

محبت و نظر عنایت‌م به شما

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۸

اگر شما از من سؤال می‌کردید که چه وقت سکوت را خواهم شکست، من به شما پاسخ می‌دادم، زمانی که احساس کنم مایل به گفتن تنها کلمه حقیقی که در آغاز بدون آغاز گفته شده است هستم، آن وقت ختم سکوت خواهم کرد، زیرا فقط آن کلمه لایق است بر زبانجاری گردد.

زمان شکستن سکوت ظاهری من و گفتن آن کلمه بسیار نزدیک است. کلمه‌ی کلمات من به دل‌های تمام افراد بشر اثر خواهد کرد و این اثر خدایی، احساس یکتایی و وحدت را به انسان تزریق و ظاهر

خواهد ساخت. این احساس، میل به تفرقه را ریشه کن نموده و بر همه دل‌ها حکم فرما می‌گردد، نفرت و حرص و حسد که مولد همه رنج‌ها است، از دل‌ها دور و جای خود را به خوشی و مسرت پایدار خواهد سپرد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال پنجم - شماره ۴، ص ۳۹

در زمان‌های خیلی قدیم، يك معجزه بسیار بزرگی انجام دادم که در نتیجه آن تمام این عالم مجاز از من خلق شد، من حالا در این زمان یک چنین معجزه دیگری در موقع ختم سکوت خود، ظاهر خواهم ساخت. این اولین و آخرین معجزه من خواهد بود. در این نوبت (آمدن من در جسم بشر) از من توقع معجزه بیشتری نداشته باشید.

دارد به سرعت زمان آن می‌رسد که موجی از اقیانوس فیض و عنایت برخیزد، پس از آن، عمل عادی جریان آب‌های نهر به اقیانوس معکوس شده و آب‌ها از اقیانوس به رودخانه و جوی‌ها جریان خواهند یافت. آماده پذیرش فیض و عنایت سرشار اقیانوس رحمت شوید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال ششم - شماره ۱، ص ۲۱ و ۲۲

من عیسی مسیح هستم. سؤال و جواب مطلقاً بی‌مورد است، وقتی که من سکوت خود را بشکنم، تمام دنیا از این حقیقت آگاه خواهند شد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال ششم - شماره ۳، ص ۳۲

من تنها به جهت ازدحام جمعیت در اینجا نمی‌باشم، بلکه به خاطر افرادی هستم که در میان جمعیت پراکنده و پخش شده‌اند و ساکت و آرام برای من مشغول کار بوده و مرا دوست دارند.

پریشان و ناراحت نباشید، مرا بیش و بیشتر دوست بدارید، اگر در هر نوع مشکلاتی که گرفتارید و با هرگونه مشقت و رنجی که روبرو هستید، دامن مرا گرفته و نگهدارید، شما در کار من سهیم و شریک خواهید بود و سعادت نصیب شما خواهد شد. زمانی که خود را آشکار می‌سازم دور نیست و شما مرا آن‌طوری که هستم خواهید دید. محبت من به هر يك از شما.

مجله‌ی بیدار کننده، سال ششم - شماره ۴، ص ۱ و ۲

هنگامی که من سکوت را با واژه خدایی می‌شکنم، آن کلمه، بدون گفتگو مقرر هستی و وجود خدا در دل انسان شده و افراد بشر را وادار خواهد کرد بدانند نه فقط ذات خدا برقرار و موجود است، بلکه خواهند دانست که تنها او به‌طور جاوید و نامحدود وجود دارد، پس از آن مرحله تعظیم و تنویر پیش می‌آید. من سکوت خویش را در هر ماه، هر روز، هر لحظه‌ای خواهم شکست و آن کلمه را ادا خواهم

نمود.

نوع کار مرا می توان با توده ای آشغال که از غفلت های انسان در این عالم مجاز جمع شده، مقایسه نموده برابر دانست. این توده بزرگ زباله، بشر را در سراب مجازی، مقید و پابند نموده و مانع از شناسایی حقیقت اصلی او می گردد. نتیجه حاصله از کبریت زدن و مشتعل ساختن این توده آشغال به دست من است.

پیشامد مرحله تحقیر و توهین من به منزله دود است که در وهله ی اول به چشمانتان نشسته و شما را نابینا ساخته و باعث اغتشاش می شود چون حلقه های دود می خواهد شما را در آغوش خود کشد. بگذارید حقیقت بر شما آشکار گردد و مهراسید و نگران نشوید، زیرا آتشی که پس از این مرحله پیدا می شود، تمام دوده های شك و تردید و اغتشاش را دور خواهد کرد، روشنایی این آتش يك حقیقت جاودان را نمایان نموده و تمام چیزهای غیر حقیقی در شعله های این آتش سوخته و نابود می گردند، این است مرحله تعظیم و تجلیل و اعزاز من در دل بشر. محبت همیشگی و جاویدان من به هر يك از شما.

مجله ی بیدار کننده، سال هفتم - شماره ۳، ص ۲ و ۳

برای شنیدن کلمه ی کلمات من، همه صداها را در سکوت من غرق گردانید.

سکوت من باید شکسته شود، راه فراری برای آن وجود ندارد، من از دنیا رحلت نکرده، جسم خود را از دست نخواهم داد مگر اینکه قبلاً این کلمه را به جهانیان رسانده باشم.

من به میل خویش سکوت را نخواهم شکست، اغتشاشات دنیوی مرا وادار به آن خواهد نمود. زمانی که جنگ و خونریزی و عداوت به همه نقاط دنیا سرایت کند و به منتهای درجه خود برسد، در همان لحظه من وادار به ذکر آن کلمه خواهم شد. افراد بشر با سرعت زیاد تمام قوای خود را جمع می کنند تا آن لحظه منتظره را ناگهانی به وجود آورند، آن لحظه کاملاً بی خبرانه و ناگهانی پیش خواهد آمد. در هر روزی، هر ساعتی، هر آنی، آن لحظه خواهد آمد. این لحظه چندان دور نیست.

چون من قطب عالم هستم، بنابراین تمام فشار زیروزبر شدن دنیا بر من وارد خواهد شد و من باید تحمل کنم و در نتیجه فشار رنج و تحمل من به اندازه ای زیاد و بی حساب خواهد بود که آن کلمه از سکوت به بیرون جهش نموده و پرتاب خواهد شد.

کاملاً تسلیم رضای من باشید و در هیچ وضع و حالتی و در هر پیشامدی مگذارید دامن من از دستتان رها گردد. من از خلوت خود بیرون نمی آیم مگر اینکه سکوت خود را بشکنم و آن لحظه ایزدی که آن کلمه را به دنیا عطا کنم، چندان دور نمی باشد.

مجله ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۱، ص ۲ و ۳ و ۴

من هم اکنون شما را از وجود ابرهای سیاهی که در بالای سرم در حرکت می باشند، باخبر کردم، واضح و آشکار دارم آن را می بینم. راجع به این ابرها سال ها است به عناوین مختلف به شما اطلاع داده ام. حقیقت این است که هر وقت به این عالم می آیم، فقط شکل و ظاهر چیزها عوض می شوند و

برای همین است که این چیزها را بارها برای شما به راه‌های مختلف می‌گویم. در عهد عیسی، من آگهی زیادی دادم با وجود این هیچ‌کس قبلاً نتوانست راجع به صلیب شدنم چیزی دریافته و مطلب را درك کند.

انفجار ابر سیاه خیلی نزدیک است و اجباراً من بایستی تمام شدت آن را تحمل کنم و سختی‌اش را بر خود هموار سازم. شما نمی‌توانید قیاس کنید که آن چیست. عیناً مانند انفجار دوزخ است بر من در این عالم. حتی وقتی که این ابر منفجر می‌گردد، مصمم به گرفتن دامنم شده و آن را محکم نگهدارید. به این طریق شما سهم و شریک کار من می‌شوید. به سلاح‌های ویرانگر که علوم دنیوی به وجود آورده بنگرید. يك دولت ملت دیگر را مورد سرزنش قرار می‌دهد که چرا برای جنگ مجهزتر است... نابودی جهان ممکن است هر لحظه بدون خبر و به‌طور ناگهانی فرارسد. وقایع و پیشامدهای عالم، نتیجه انعکاس عمل باطنی من است. در زمان حدوث طوفان نوح، جهان مبدل به دوزخ شد.

هم‌اکنون سیاستمداران جهان به‌طور قطع اظهار نظر می‌کنند که هرگاه جنگ جهانی شروع شود، کلیه جهان نابود می‌گردد. آن‌ها دارند عیناً نظریه مرا تأیید می‌کنند ولی تمام دنیا نمی‌تواند نابود شود، زیرا آمدن من پس از ۷۰۰ سال در این جهان حتمی است.

مهربابا به درد جسمانی خود که در نتیجه تصادف به وجود آمده، اشاره کرده فرمودند این درد در مقابل آنچه در موقع انفجار ابر سیاه باید تحمل کنم، هیچ است.

من برای چیزهایی که سابقاً در نظر گرفته و پیش‌بینی کرده‌ام کار می‌کنم و این کار قوای بسیاری رها می‌سازد که موجب دوباره آمدن من به عالم می‌گردد.

نتیجه برخورد این قوه به انسان‌هایی که در تاریکی گرفتار شده‌اند، بیداری و شناسایی ذات خود است. به‌طور خاص، هنگامی که این قوه با عمل یا قوای مخالف روبرو می‌شود، بالاخره بر آن‌ها پیروز می‌گردد چون دارای ملاححت مخصوص خود می‌باشد.

در حال حاضر با وجود روبرو بودن من با ابر سیاه، باز پیوسته کار خودم را انجام می‌دهم. همان‌طور که اکنون به انجام کارهای بدنی بدون کمک قادر نیستم (صرف‌نظر از نا سلامتی)، من دارای بدنی سالم می‌باشم، ممکن است در وقت تهدید و خطر، من روحاً نیز ناتوان و بدون چاره‌گرم، بدون اینکه من ذره‌ای گیج شده یا بترسم. ممکن است شما آن‌وقت نتوانید دامن مرا گرفته و محکم نگهدارید، زیرا اوضاع زمان ظاهراً شما را حق به‌جانب نشان می‌دهد که آن را از دست بدهید. من بینهایت رحیم و مهربانم، بنابراین بارها تکرار می‌کنم که شما گفتارم را به خاطر سپرده و به دامنم بچسبید و آن را محکم نگهدارید.

مثلاً اگر زلزله مهیب و ناگهانی پیش آید، هر کس می‌کوشد جان خود را نجات داده فرار کند، در آن لحظه ثروت و فامیل خود را فراموش می‌کند، بعدها او به خاطر می‌آورد که چه کرده است.

هر آنچه واقع‌شدنی است، اتفاق خواهد افتاد، این قانون است یا آن‌طوری که من آن را نام‌گذاری می‌کنم «قانون باید»، قانونی که این عالم مجاز از آن سرسبز و شاداب است. مثل این است که يك فیلم کامل سرای مجاز، از آغاز تا انتها، دارد بدون وقفه بر پرده نشان داده می‌شود، اگر مقدر شده که دامنم

از دستتان رها شود، خواهد شد ولی کار من خبردار کردن شما است و کار شما باخبر و هوشیار بودن است.

در عالم مجاز در هر لحظه‌ای ممکن است مرگ شما فرارسد. زندگی بی ثبات عالم مجاز را ضمانت و تعهدی نیست، زیرا هیچ کس به طور قطع نمی داند که لحظه بعد چه پیش خواهد آمد.

همه چیز در این عالم، مجاز و بی ثبات است الی خدا. دنیا و تمام کارهایش به اندازه‌ای بی دوام و فناپذیرند که حتی گفتن اینکه آن‌ها بی دوام اند هم بی معنی و غیر ضروری است.

نکته‌ای که مایلیم به شما خاطرنشان سازم، این است که طاعت و فرمان برداری از من هرگز دیر نشده است و شما باید تا آخرین نفس فرمان بردار من باشید.

شما بایستی بدون ترس و بی باک از هر نوع حادثه‌ای و با شهادت از من اطاعت کنید و بالاترین وظیفه شما فرمان برداری از من است، در این وقت که من روبروی ابر سیاه ایستاده‌ام.

مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۶

کاری که من بایستی به انجام رسانم، کلیه چیزهایی است که سابقاً پیش بینی شده و آن قوای زیادی را رها می سازد که آمدن مجدد مرا در این جهان قطعی و حتمی می گرداند.

وقتی که خدای نامتناهی و تغییرناپذیر توسط وسایل محدود و تغییرپذیر کار می کند، وسایل و نوع کارش لازم است متفاوت و نامحدود باشد. قوایی که برای مخالفت با کارش به وجود آمده اند، بسیار نیرومند و شدید می باشند ولی این خود از سوی دیگر باعث تقویت کار و سرعت نفوذ آن می گردد. با وجود روبرو بودن با ابر سیاه، من پیوسته کارم را انجام می دهم.

کوشش کنید که طرز کار مرا بفهمید و دریابید. سؤال نکنید، فقط مرا اطاعت نموده و فرمان بردار باشید. شما با فرمان برداری بی چون و چرا، توأم با شادمانی و رضایت صد درصد و عمل به دستوراتم و پایبند بودن به تصمیماتم، مرا در کارم یاری نموده اید.

راجع به نقص ظاهر غم مخورید و اندیشه به خود راه ندهید. من می دانم چه کار باید انجام داد، این مربوط به شما است که آنچه می گویم، همان را مورد عمل قرار دهید و در مورد هیچ چیز دیگر نگران نباشید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۶

من به این جسم محدود نیستم، من آن را به منزله لباس به کار می برم تا خودم را به شما ظاهر نمایم و با شما رابطه لفظی که برای فهم و درک شما آسان باشد داشته باشم. هرگاه زبان شعور و ادراک خودم را به کار می بردم، شما قادر نبودید که دریابید درباره چه با شما حرف (با اشاره) می زنم.

کوشش نکنید که مرا دریابید. کنه ذات من دریافتنی نیست و تخمین پذیر هم نمی باشد. فقط مرا دوست بدارید. من از حالت شعور و ادراک مسیح به طور دائم مسرور و برخوردارم. وقتی که حرف بزنم

ذات حقیقی خودم را ظاهر خواهم نمود، علاوه بر آن يك تكان سخت به همه عالم، تمام کسانی که به‌سوی من می‌آیند، به‌طرف اشعه‌ی خدا و حقیقت رهبری خواهم کرد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۷

آن یک کلمه پر معنا، کلمات بی‌شمار بی‌معنی را به وجود آورده است، وقتی که آن کلمه را ذکر کنم، تمام کلمات بامعنی خواهند شد.

البته من سکوت خودم را حتماً خواهم شکست و گرنه چرا سکوت اختیار کرده‌ام.

مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۲، ص ۸ و ۹

شخصی از بابا سؤال کرد که چرا خودتان را ظاهر و عیان نمی‌فرمایید؟ بابا فرمودند: ظهور نمودن برایم آسان است، خودم را مستور نگه‌داشتن کاری است مشکل. جای من در قلب همه افراد بشر است ولی در آنجا خفته‌ام. این عادت قدیمی من است.

برای اینکه مرا بیدار کنید، مرتب بگویید: بابا، بابا، بابا و مرا صدا بزنید. در نتیجه من که در دلتان خفته‌ام، چون مسرت و فراغت در خوابیدن نمی‌یابم، حتی فرصت چرت زدن هم ندارم، با صدا زدن پی‌درپی شما و شنیدن آن، کم‌کم در دل شما بیدار می‌شوم. با یاد کردن مکرر نام من، اگر یک‌بار مرا در دلتان بیدار نمودید، شما هم بیدار شده و برای همیشه بیدار می‌مانید؛ بنابراین نام مرا مکرر یاد کنید تا من در قلبتان بیدار شوم و شما هم برای ابد بیدار گردید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال سوم - شماره ۴، ص ۱۴

اگر شما با گوش خود تنها يك ارتعاش آن نغمه ازلی را می‌شنیدید، هوش و ادراك جسمانی خودتان را از دست می‌دادید.

من آن نغمه حقیقی هستم. بهترین موسیقی که شما می‌شنوید و مسرور می‌گردید، چیزی جز انعکاس هفتم آن نغمه اصلی و حقیقی نیست. ولی هنگامی که من با شما و در سطح شما قرار گرفته‌ام، حتی با شنیدن این هفتمین انعکاس آواز ازلی، خوشحال و مسرور می‌گردم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال هشتم - شماره ۳، ص ۵ و ۷

یوسف هارب گفت این هفتمین دور عظیم از یازدهمین عمر است (يك قسمت زمان را عمر گویند). تغییر در نظام عظیم کائنات که برای اشخاص پیشرفته روحانی واضح است، از زمان ماهی شروع شده، منجر به زمان گیاهان آبی یعنی زمان خیلی قدیم می‌گردد.

عملیات بابا برای راهنمایی به زمان نو گیاهان آبی است. احساسات جدید برادری در جهان عملی است کاملاً مقرون به حقیقت و با موفقیت تمام انجام خواهد گرفت، زیرا این شامل نظام جدید عالم

است و ملل جهان در اثر محبت متحد خواهند شد و تمام این‌ها وقتی صورت می‌گیرد که بابا در جهان در بین شما وجود دارد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۹

هیچ کس به اندازه خود مشتاق و نگران شکستن سکوت من نیست. به مجردی که سکوت من را شکستم، هر مشکلی حل خواهد شد و تمام چیزها انتظام خواهند یافت.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۱۹

شما از اینکه اوتار را در میان خود دارید، سعادتمند هستید. دوستدارانم سعادتمندترند که خدای در جسم بشر را در حضور خود و در عهد خود دارا می‌باشند. فقط يك نظر من می‌تواند هر آنچه لازم دارید را به شما عطا کند، می‌تواند چشم درون را بینا سازد. شما در حالی که همین جا نشسته‌اید، بدون تغییرات ظاهری، شما آن می‌گردید که در حقیقت می‌باشید، تفاوت این عمل بی‌انتها خواهد بود، آن وقت کی خواهد رسید؟... سر لحظه مقرر شده صورت خواهد گرفت.

برای رسیدن آن لحظه شما باید صبر کنید. آن لحظه خیلی نزدیک است، برای آن شما باید از صمیم قلب مرا دوست بدارید و گرنه شما آن لحظه را از دست خواهید داد. هرگاه در خانه شما را بزنم و شما خفته باشید، من می‌روم. ... بی حد حوصله‌ام لبریز شده. برای چه من مطالب را تشریح کنم، در صورتی که شما قادر نباشید هیچ چیز را درک کنید؟ این را نمی‌توان فهمید و نمی‌شود درک کرد. من بینهایت حوصله‌ام سر رفته، من منتظر آن لحظه هستم که بتوانم سکوت خود را بشکنم، که بالاخره بتوانم با دل تماس بگیرم. مشتاقم آن کلمه بیرون آید...

ولی من دارای صبر بی‌اندازه‌ای می‌باشم. من می‌دانم که فقط آن کلمه می‌تواند همه مشکلات را آسان و هر دردی را دوا کند، زیرا آن کلمه مصدر تمام کلمات است. من به اندازه‌ای صبورم که هر روز همان حقیقت‌های قدیم را مکرر برای شما بیان می‌کنم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۲

مایل بودم که تا ۷۰۰ سال به حالت خواب آرام خویش در فراغت به سر برم، ولی عطا کردن يك کلمه به دنیا که بر اثر ختم سکوت صورت می‌گیرد، از واجبات بوده و من باید این کار را انجام دهم. دل افراد بشر باید اثر ضربت کلام مرا حس کند. من جز این چاره‌ای ندارم، گرچه دلم می‌خواهد که تا ۷۰۰ سال به خواب روم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۴

من آمده‌ام به جهانیان یادآوری نموده و نظرشان را جلب کنم که ایشان مانند فرزندان یک پدر باید در جهان زندگی کنند تا نظر فیض من آن‌ها را به درك و دریافت این حقیقت وادارد که همگی بدون تفاوت و یکسان خلق شده‌اند و این فیض، یکسان شامل حالشان گشته و آن‌ها را بیدار کند تا به این نکته پی ببرند که همه دسته‌بندی‌ها و زدوخوردها و نفرت‌ها، غیر از يك بازی که از غفلت خودشان سرچشمه گرفته، چیز دیگری نیست.

من سکوت خودم را خواهم شکست و با کلمه‌ی کلمات خود فرزندانم را بیدار خواهم کرد تا در زندگی خود پی به ذات خدایی که بخش ناشدنی است ببرند و از هستی او باخبر گردند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۴

سال‌ها است من پیام و موعظه به شما داده‌ام، امروز می‌خواهم به‌همهی کسانی که در اینجا گرد آمده‌اید، یادآور شوم که گوش‌های ظاهری خود را ببندید و گوش‌های دلتان را بگشایید تا زمانی که آن کلمه را ذکر می‌کنم بشنوید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۶

بابا به صوفیان فرمودند: تنها بخشش من آن یک کلمه است، به همین سبب دارم نقشه می‌کشم که سال آینده همه‌چیز را متوقف کنم. من در حال فراهم کردن رغبت برای ختم سکوت خود می‌باشم. ختم سکوت آسان است ولی من باید رغبت آن را دارا گردم. شما نمی‌دانید من خودم تا چه اندازه مشتاق ذکر آن کلمه هستم. من دارم هر چیزی را مرتب و جابجا می‌کنم. از واجبات است که من کلیه امور عالم را نظارت نمایم و در ضمن باید تأکید کنم، وقتی که آن کلمه را گویا شوم، شما که مرا دوست دارید، با دل خود آن کلمه را حس خواهید کرد. آن وقت بسیاری از چیزها برای شما واضح می‌گردد. خدا حقیقت است و حقیقت خدا است، بنابراین چرا راجع به آینده متفکر و پریشان می‌باشید؟

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۳۶ و ۳۷

من به همه جهانیان می‌گویم که فکور و پریشان مباشید، به‌زودی زمانی می‌رسد که آن کلمه را ذکر نمایم، تمام دنیا از آن آگاهی یافته و در نتیجه تغییرات و تحولات زیادی در جهان رخ خواهد داد. شما ابداً نمی‌دانید که تا چه اندازه نگرانی‌تان در آن روز بی‌اهمیت و بی‌جا خواهد بود، بنابراین از همین امروز چرا نمی‌کوشید که اندوه به خود راه ندهید.

بکوشید تا هنگامی که آن کلمه به دنیا عطا گردد زنده بمانید. ممکن است آن قدر غم بیهوده بخورید که بمیرید و زمانی که آن کلمه را به زبان جاری کردم، وجود نداشته باشید که بشنوید.

چرا دست از وجود خویش نمی‌شوید تا بتوانید پیش من آیید، تشویش‌های خودتان را فراموش نموده و {جمله شرطی است؛ و=تا} مرا در اندرون خود بیابید. وقتی که آن کلمه را فاش می‌سازم، بگذارید با دل شما تماس بگیرد، در نتیجه آن چنان شادمانی به شما دست خواهد داد که خسارت میلیون‌ها دلار در برابر آن صفر و بی‌ارزش است. هیچ مبلغ هنگفتی نمی‌تواند آن تجربه خوش و مسرت‌بخش را به شما بدهد.

وقت مقرر باید برسد تا آن کلمه گفته شود و حتماً آن را خواهم گفت. ضمناً من طالب محبت شما می‌باشم، می‌خواهم تا حد توانتان مرا دوست بدانید، همه این مسائل در وقت ذکر آن کلمه حل خواهد شد.

کلیه مشکلات جهان راه‌حلی به خود خواهند دید. به دوست داشتن من ادامه دهید و ثابت‌قدم باشید، چون تمام کسانی که مرا دوست دارند، ضربت آن کلمه را در دل‌های خود حس خواهند کرد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۴۱

در این ایوان همه پیاله‌ها خالی از شراب‌اند، وقتی ساقی ربانی چشم خود را باز می‌کند، همان‌دم کلیه جام‌ها لبریز از عشق خواهند شد. امیدوارم زود آن وقت برسد که با کلمه‌ی کلمات، سکوت‌م را ختم و همه پیاله‌های شما سرشار از محبت گردد، سپس شما می‌توانید تا دلتان خواست بیاشامید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۴۵ و ۴۶

من باید میل شکستن سکوت خود را به دست بیاورم، من باید سکوت خود را شکسته و کلمه‌ام را به جهانیان واگذار نمایم، ولی هنوز خود را برای شکستن سکوت مهیا نکرده‌ام. حس می‌کنم... زمان درازی خواهد گذشت تا ختم سکوت نمایم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۵۳

من ابتدا باطناً در درون خود ختم سکوت خواهم کرد، سپس جسم خود را ترك خواهم نمود. تعظیم و تنویر و اعزاز من تا يك سال دوام خواهد داشت. من برای ختم سکوت خویش بی‌قرارم، لذا در تدارك به دست آوردن شوق و رغبت هستم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۳، ص ۱۰

آیا شما واقعاً فکر می‌کردید که من روز معینی در يك سالن بزرگ در حضور جماعتی کثیر سکوت‌م را می‌شکنم؟!

من بدون اطلاع قبلی سکوت اختیار کرده‌ام و به همین طریق هم ختم سکوت خواهم کرد. ولی زمانی که من حرف بزنم، کلیه افراد بشر آگاه شده و مرا خواهند شناخت که من کیستم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۳، ص ۳۵

همین‌که یک‌دفعه ختم سکوت نمایم، همه آگاه می‌گردند که من کیستم. کسانی که حالا مرا می‌شناسند، سعادتمند هستند. گرچه من برای همه افراد بشر به دنیا آمده و متولد شده‌ام، سعادتمند کسانی می‌باشند که هنگامی که من روی زمین موجودم، مرا دوست دارند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۱۲

شادمان باشید و پریشان مباشید، تنها حقیقت این عالم من هستم. به محض اینکه سکوت را خاتمه دهم، توده‌های انبوه خلق نزد من خواهند آمد. جماعت زیاد تازه‌وارد، مجال دیدار به شما نخواهند داد. هم‌اکنون در پونه روزنه کوچکی از دل خود را گشوده‌ام و امواج محبت به خارج پخش کرده‌ام، ولی به‌زودی این روزنه را دوباره می‌بندم. هنگامی که ختم سکوت نمایم، کاملاً در دل خودم را باز نموده و گشوده نگه خواهم داشت.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۱۵ و ۱۶

خدا بارها جسم انسان اختیار می‌کند (در جسم انسان می‌آید) تا برای خلقت خویش رنج ببرد. من همان یکتای بی‌همتای قدیمی هستم. من هم مثل شما دارای بدن و عقل می‌باشم، بنابراین احساس گرسنگی و تشنگی و غیره می‌نمایم، اما من جسم کل و ضمیر کل را نیز دارا می‌باشم، بنابراین در مقابل مشقت همیشگی من، رنج انفرادی شما هیچ است.

من دارای دانش بیکران هستم، پس برای دانستن لازم نیست عقل خود را به کار برم - دانای مطلق منم. من علم نامتناهی خود را به کار می‌برم.

باوجودی که من دارای مسرت نامحدود و قدرت بی‌اندازه می‌باشم، من آن‌ها را به کار نمی‌برم. اگر مسرتی که در اختیار دارم را به کار می‌بردم، چگونه مشقت من می‌توانست رنج باشد و برای افراد بشر چه فایده‌ای می‌توانست داشته باشد.

من قوای بی‌حد خویش را نیز به کار نمی‌برم، زیرا اگر آن را مورد استفاده قرار می‌دادم، چگونه می‌توانستم بدون چاره بمانم. من در حالت بیچارگی بی‌حدی به سر می‌برم، زیرا درحالی که قدرت نامحدودی در اختیار دارم، آن را به کار نمی‌برم. فقط وقتی که سکوت خود را بشکنم، آن را به کار خواهم برد تا بیداری روحانی همگانی در جهان برقرار شود.

با ترك این بدن تا ۷۰۰ سال مسرت خودم را به کار خواهم برد که منجر می‌گردد به ظهور ثانوی من در عالم.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۱۶

من از لحاظ جسمی و روحی درد و ناراحتی را تحمل می‌کنم، رنج‌های جسمانی مرا می‌توان دید. درد و عذاب روحی من به واسطه عوامل ضد خدا که در این زمان به نهایت درجه رسیده‌اند و همچنین تزویر و فریب عالم‌گیر، خصوصاً کسانی که خود را به صورت مرشد و روحانی جلوه می‌دهند و خودشان را به سایرین آن‌طور نشان می‌دهند ولی حقیقتاً آن‌گونه نیستند، بسیار دشوار و رنج‌دهنده است.

من از نقطه نظر روحانیت رنج می‌برم، زیرا خودم را آزاد و بی‌قیدوبند می‌بینم ولی در نهاد شما به علت غفلت و نادانی تان خودم را مقید و پابند می‌یابم، از این لحاظ من بینهایت رنج می‌برم.

در هیچ‌یک از دوره‌های اوتاری سابق، من این رازها را فاش نساختم، زیرا زمان آن مناسب نبوده است. در این زمان، دانش و سیاست به منتها درجه پیشرفت نموده و عناصر ضد خدا هم دارند به غایت خودنمایی می‌کنند، بنابراین روحانیت چرا نباید به درجه کمال برسد.

سعادت‌مند کسی است که دامن مرا محکم بگیرد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۲۲ و ۲۳

"ناد" یا نغمه موزیک الهی به هیچ تعادلی نیاز ندارد. آن یکنواخت و همیشه جاری است. همه موسیقی‌های این عالم، هفتمین سایه آن نغمه اصلی است.

گرو نانک، راهنمای روحانی سیک‌ها فرموده است: «معشوق حقیقی به ندرت به عاشق، جام شراب حقیقی می‌دهد تا بیاشامد، هرگاه او این جام را به کسی بدهد، بیدرنگ قطره دریا می‌گردد.»

بابا فرمودند: زمان آن رسیده است که سکوت خودم را ختم کنم و حتماً این کار را خواهم کرد.

دنیا به طرف حقیقت هل داده خواهد شد، ولی دل‌های محبانکه محرمان و صدیقان من اند را خواهد گشود. این موهبتی است که نه در گذشته آمده و نه در آینده تکرار می‌گردد. امروزه عناصر ضد خدا به منتهای درجه صعود رسیده است. شهر تبت که زمانی مرکز روحانیت جهانی بوده، امروزه به مرکز لشکر و ارتش مبدل شده است.

اولیای جعلی و مصنوعی در این دوره بی‌شمار دیده می‌شوند. در ده سال اخیر، علم و صنعت به اندازه‌ای پیشرفت نموده که هیچ‌وقت قبل از این تا این حد ترقی نکرده بود. چون تمام این عوامل به نهایت رسیده‌اند، روحانیت نیز به اعلی‌ترین درجه خود خواهد رسید تا اینکه نه فقط با این عناصر، تعادل برقرار کند بلکه بر آن‌ها حکم فرما گردد.

وقت شکستن سکوت من بسیار نزدیک است، بنابراین دامن مرا محکم بگیرید. من سکوت خودم را خواهم شکست.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۳۰

خودی دو نوع است:

یکی خودی معمولی است و دیگری خودی ربانی.

من خدا هستم - کسی که به وصال خدا می‌رسد و معرفت خداوندی را حاصل می‌کند، می‌گوید من خدا هستم. خواه مردم باور کنند یا نکنند، او باید ادعای حقانیت خود را بنماید. اگر مردم به شما بگویند شما زن هستید، شما مجبورید به شدت ادعا نمایید که مرد هستید. به همین طریق کسی که به وصال خدا رسیده مجبور است دعوی خدایی کند.

وقتی که من سکوت خودم را ختم کنم، مردم آگاه می‌گردند که من خدا هستم. همه کس آگاه می‌گردند که من کیستم. سعادت‌مند کسانی هستند که قبل از ختم سکوتم مرا بشناسند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۳۰ و ۳۱

زمانی که او سکوت خودش را ختم می‌کند، انقلاب عظیمی در جهان واقع می‌گردد.

بابا فرمودند: بدن خود را یک سال پس از ختم سکوتشان رها خواهند نمود.

بابا فرمودند: ایشان یک کارفرمای سخت می‌باشند، بنابراین ما باید دلیرانه پیشامدها را تحمل نماییم.

بابا فرمودند: سال‌های زیادی گذشت ولی سال‌های آینده بسیار مهم‌ترند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۱۹

سکوت من و ختم سکوت من در وقت مقرر شده، کسانی را که در باره همه چیز به جز خدا حرف می‌زنند، خاموش می‌سازد. گرچه من برای همه افراد بشر جسم انسان به خود اختیار می‌نمایم، سعادت‌مند کسانی هستند که هنگامی که هنوز در این جهان هستم مرا دوست دارند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۰

به دوستداران شرقی و غربی خود گفته‌ام که آن‌ها باید دامن مرا محکم بگیرند، زیرا به زودی زمانی فرامی‌رسد که صدای ضربت کلمه‌ی کلمات من در دل‌های دوستدارانم شنیده شود. من به زودی ختم سکوت خواهم کرد. وقت آن فرارسیده است.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۱

زمان شکستن سکوتم خیلی نزدیک است. در همین اثنا است که احتمال قوی دارد دامنم از دستتان رها گردد. دنیای مجاز می‌کوشد که دست شما را از دامنم دور گرداند. همه چیز منم، از اعلی‌ترین اعلی

تا پست ترین پست.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۳

در دنیای امروزه، درد و مصیبت و فضای تیره افسردگی همه‌جا را احاطه کرده است. در ماه‌های آینده بازهم بدتر خواهد شد، هرکسی مأیوس می‌گردد. افسردگی محیط رو به ازدیاد خواهد گذاشت. همان‌طوری که يك زن حامله باید همه رقم درد دراثنای حاملگی خودش تحمل کند و در وقت زایمان، اشد درجه درد فرامی‌رسد، به همین منوال زمانی که من ختم سکوت می‌کنم، رنج و ناراحتی زیادی برای من پیش خواهد آمد و به منتهای حد خود خواهد رسید. ولی همین‌که بچه زائیده شد، مادر و بچه هر دو احساس راحتی خواهند کرد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۱، ص ۲۶

من از اعلی‌ترین درجه حالت خود، به نظارت چنین مسائل کوچکی کشیده شده‌ام. (مسئله خصوصی یکی از دوستان‌اران بابا که به او مراجعه کرده است). بابا فرمودند: تمام دنیا يك صفر است، باوجوداین من باید متوجه این صفر شده و آن را حفاظت نمایم. تمام بدبختی‌های عالم که شما در حال تجربه آن هستید، با ختم سکوت بی‌اهمیت خواهند بود، حتی هم‌اکنون نیز این رنج‌ها بی‌اهمیت هستند ولی شما آن را احساس نمی‌کنید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۲، ص ۱

شخصی سؤال کرد: چرا مهربابا سکوت اختیاری خود را ختم نمی‌کنند و در میان جماعت سخن نمی‌گویند؟

بابا جواب دادند: باید دقت کامل و وقت کافی برای هر تغییر مهمی در نظر گرفت، وگرنه چگونه ممکن است که بدون انقلاب کامل در تاریخ عالم، در وجدان و قلوب افراد بشر تغییرات کلی ایجاد گردد؟

زمان موعظه من میان افراد بشر فرامی‌رسد، ولی این وقت پس‌ازآن خواهد بود که دنیا فروتن شده و با يك قتل و کشتاری که بزرگ‌تر از آن دنیا به خود ندیده، روبرو شده و باصفا و پاک شود.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۲، ص ۴۰

دنیای درهم‌وبرهم کنونی، آغاز روحانیت جهان است.

شرح و مثال: اگر چشم شخصی آب‌مروراید بیاورد، مرض چشم تدریجاً پرده‌ای بر بینایی او خواهد کشید و در نتیجه او قادر نیست واضح ببیند. تنها راه علاج آن است که آن پرده (عدسی) را از چشم خارج نمایم. برای این کار لازم است چشم را توسط یکی از جراحان متخصص عمل نمایم. ولی جراح

هنگامی چشم معیوب را عمل می‌کند که مطمئن باشد دانه چشم رسیده و قابل عمل است، وگرنه او صبر می‌کند تا دانه چشم برسد.

بدین منوال حالت درهم و برهم جهان نتیجه مادیات است که در بشر حرص و منافع شخصی تولید کرده که خود همین موجب پیدایش پرده شده و مانع از دیدار روحانیت و پیشرفت بشر به سوی حقیقت گردیده است. حالا به حدی این دانه چشم رشد نموده و به اندازه‌ای زیاده رس شده که دارد در سراسر عالم تولید خرابی و خسارت می‌کند، این به‌طور واضح نشان می‌دهد که دانه چشم به‌خوبی رسیده و آماده عمل است.

عمل جراحی بر مرض غفلت، حرص و شهوت شروع خواهد شد و همه آن‌ها را ریشه‌کن خواهد نمود و بینش روحانی عالم دوباره بر خواهد گشت. پزشک جراح متخصص، یعنی مرشد کامل آماده عمل است، فقط منتظر رسیدن دانه چشم آب آورده می‌باشد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۳، ص ۲۰ الی ۲۲

پس از ... وقتی که من ختم سکوت می‌کنم، جهانیان به‌سوی من خواهند آمد، زیرا بعد از آن ایشان خواهند دانست که من کیستم، ولی به‌سوی من آمدن پس از ختم سکوت لذتی ندارد، چه متبرک‌اند کسانی که حالا به‌طرف من آیند.

بابا خاموشانه در حق افراد زحمت‌کش و ناراحت، دعای خیر می‌فرمایند و همه را غریق برکات خود می‌کنند.

نظر مرحمتم بر کسانی که مهربابا را خدا در جسم انسان شناخته و درك نموده‌اند.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۳، ص ۲۲

تجدید حیات روحانی که درباره آن شما سؤال می‌کنید، چندان دور نیست. من درصدم در آینده نزدیکی آن را فراهم نمایم و برای این کار از قوای بسیار زیادی که غلط مورد استفاده قرار گرفته، استفاده خواهم کرد.

چنین فشاری که روحانیت به وجود آورده، به‌طوری که من در نظر گرفته و در حال دیدن آن هستم، هر ۷۰۰ یا ۸۰۰ سال یک‌بار در عالم صورت خواهد گرفت و آن در آغاز یا پایان هر دور صورت می‌گیرد و این فقط کار کسی است که کامل بوده و به درجه و حالت شعور حضرت مسیح رسیده باشد. چنین کسی قادر است به‌طور جامع و عالم‌گیر کار کند و توجه خلق را به خود جلب نماید. کار من همه چیز را در آغوش خواهد گرفت، در همه حالات زندگی اثربخش بوده و آن را کنترل خواهد کرد.

تکان عمومی و محکمی به‌طرف روحانیت خواهم داد، مسائلی مانند مسئله سیاسی، اقتصادی و جنسی خودبه‌خود حل شده و تمام مذاهب و گروه‌های اجتماعی به گرد يك شخص که قوه تمرکز

به آن‌ها می‌رساند، گردآمده و دور می‌زنند. بدون این قوه، تمام نهضت‌ها و گروه‌ها باطل و بی‌نتیجه می‌گردند.

مرشدان کامل توسط تماس شخصی و اثر و نفوذ خود، روحانیت را تزریق و به طرف می‌رسانند. زمانی که من انقلاب عظیم روحانی در جهان به وجود می‌آورم، بهره عظیمی به ملل عالم می‌رسد و این فیض منوط به مقدار قوه و انرژی هر ملتی خواهد بود.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۳، ص ۲۳ الی ۲۵

همان‌طوری که حضرت عیسی مسیح به دنیا آمد تا روحانیت را به مردمان آن عصر که غرق مادیات بودند عطا کند، من نیز آمده‌ام تا به بشر این عصر تکان و پیشرفت روحانی بدهم. برای چنین عمل خدایی همیشه زمانی مقرر است.

زمانی که وقت مناسب فرا برسد، ذات حقیقی خویش را به تمام جهان آشکار می‌سازم. هنگامی که در عالم ظهور می‌کنم، هیچ‌یک از مذاهب موجود عالم را باطل نخواهم کرد و یک مذهب به خصوص را پشتیبانی و تقویت نخواهم کرد. در نظر دارم به خاطر افراد بشر، اختلافات فرقه‌ای و حزبی را دور سازم تا اینکه حقیقت‌های واجب را قبول کنند.

به خاطر داشته باشید که هر پیغمبری پیش از ظهورش، نخست زمان و اوضاع وقت و افکار مردم را در نظر می‌گیرد، بنابراین او مسائل و اصولی را تلقین می‌کند که طبق آن شرایط بهترین باشد و به خوبی درک گردد.

به‌زودی زمانی می‌رسد که یک اعتقاد روحانی عمومی به بشر داده شود و این به همه اقوام و ممالک فیض و سعادت خواهد داد؛ به عبارت دیگر، دارد برای من راه باز می‌شود که بتوانم پیام عالم‌گیری به تمام خلق جهان برسانم.

من فقط زمانی سکوت را می‌شکنم و به جهانیان پیام خواهم داد که در تمام دنیا بی‌نظمی و فتنه و اضطراب متداول و حکم‌فرما باشد؛ زیرا وجود من در آن وقت کاملاً ضروری و لازم است.

زمانی که دنیا به واسطه زلزله‌ها، سیلاب‌ها و فوران آتش‌فشان‌ها دارد به هم کوفته شده و زیر و زبر می‌گردد، هنگامی که شرق و غرب در آتش جنگ می‌سوزد، در چنین موقعی من سکوت را می‌شکنم. حقیقتش این است که تمام دنیا باید به رنج و زحمت مبتلا گردد، زیرا تمام جهان باید نجات حاصل نماید.

مطمئن باشید من کار روحانی خود را ناقص و ناتمام نخواهم گذاشت. پس از آن یک عصر کاملاً آرام و یک‌زمان آسودگی بی‌سابقه‌ای به دنیا روی خواهد آورد که بادوام و طولانی است.

از آن پس مسئله خلع سلاح فقط محدود به گفتگو و مباحثه نخواهد بود، بلکه صورت و معنی واقعی به خود می‌گیرد، زدوخوردهای رنگی و نژادی همه معدوم می‌گردد، حقارت‌ها و تنفرت فرقه‌ای بین سازمان‌های مذهبی به کلی پایان خواهد یافت. من به سراسر جهان سفر خواهم کرد و ملل جهان آرزومند دیدار من خواهند بود. پیام روحانی من به همه ممالک و شهرها و دهات خواهد رسید. برادری

واقعی بین افراد بشر، امنیت مابین خلق و دلسوزی برای افراد فقیر به وجود خواهد آمد و عشق خدا را در دل‌ها افزون خواهیم کرد.

کلمه من قادر است حقیقت‌های روحانی قدیمی را منعکس نموده و از نو در آن‌ها جان تازه بدمد، ولی این قوای روحانی من است که قوای جدیدی در حیات عالم تولید خواهد کرد. همین که یک‌بار خود را به‌طور مسیحا آشکار کنم و در جهان میان خلق ظهور نمایم، هیچ چیز نمی‌تواند مانع راه من شود و از قوای من جلوگیری نماید.

مجله‌ی بیدار کننده، سال دهم - شماره ۴، ص ۱۴

اکنون مهم‌ترین زمان برای اینکه مردم جهان مرا بشناسند و بدانند که کیستم، می‌باشد و قدر و قیمت شناسایی من بیشتر است تا شناسایی من پس از ظهورم در عالم به‌صورت قطب زمان. هرگاه شما مرا آن‌طوری که حقیقتاً هستم ببینید، پس از آن هر چیزی در نظر شما مجاز و غیرحقیقی جلوه خواهد نمود.

بعد از وصال (طبقه هفتم) نزول به طبقه و سطح انسان بسیار دشوار است، مرحله قطب، اعلی‌ترین مراحل می‌باشد. اگر شما یک‌دفعه به آن منزل برسید، در مدت کمتر از یک ثانیه از حال و آینده و گذشته باخبر خواهید شد.

دیویاوانی سال ۲ - شماره ۳، ص ۱، می ۱۹۶۵

قصد ریزش کلمات برای شما ندارم تا خاطر شما را مشغول و مشق حرافی بدهم. می‌خواهم وجدانتان بخواهد تا دل‌های شما در محبت من بیدار گردد.

آنچه به شما عطا می‌کنم توسط کلمات و واژه نیست. در تسلیم کامل شما، محبت من که همیشه بی‌صدا و خاموش است، می‌تواند به شما برسد و دوان‌دوان به‌سوی شما آید و همیشه در شما تازه بماند تا آن را با کسان دیگر هم که در جستجوی من هستند قسمت کنید.

زمانی که واژه محبت من، محیط سکوتش را شکسته و بیرون آید، در دل‌های شما حرف می‌زند و به شما می‌گوید که در حقیقت من کیستم.

شما خواهید دانست که این است آن کلمه حقیقی که همیشه آرزوی شنیدنش را داشتید.

دیویاوانی سال ۳ - شماره ۱، ص ۲۴، جولای ۱۹۶۳

من زمانی ختم سکوت کرده و در عالم ظهور می‌نمایم که از طرفی علم و صنعت به بالاترین درجه ترقی رسیده باشد و از طرف دیگر عناصر ضد خدا به اوج مخالفت خود رسیده باشند؛ بنابراین ظهور روحانیت من نیز به اعلی‌ترین درجه خود خواهد رسید.

وقتی من سکوت خود را بشکنم، در اثر شناختن من و درک آنکه من کیستم، تمام آفرینش تکان خواهد

خورد. هنگامی که من ختم سکوت کنم، ضربت آن تکان سختی به همه عالم داده و آن را از چنگال مرگ روحی بیرون می آورد، دل های تمام کسانی که مرا دوست دارند، باز نموده و به کلی خواهد گشود. آنچه در اثر ختم سکوت من پیش خواهد آمد، هرگز نظیرش قبل از این اتفاق نیفتاده است.

دیویاوانی سال ۳ - شماره ۲، ص ۱۶، اکتبر ۱۹۶۳

آنچه من می گویم نه تنها گفتار شخصی خردمند و عاقل است، بلکه از روی تجربیات می باشد، کلماتی نیستند که از دل بیرون آیند، بلکه سرچشمه آن تجربیات ماوراء می باشد. من همان هستی یکتا هستم. به طور یقین همان یک وجود بی همتا هستم که دارم تنها وجود خودم را با دیگران می آزمایشم. وقتی من سکوت را ختم کنم، تمام عالم خواهد فهمید که من کیستم.

طبق قرار معمول در زمان گذشته، نصیب نسل های پیشین و آینده این بوده که بدانند اوتار چه کسی بوده است، ولی در این زمان نادر، یعنی این ظهور اوتار در عالم، دنیا درحالی که بابا هنوز در دنیا موجود است، باخبر می گردد که اوتار کیست.

دیویاوانی سال ۱ - شماره ۵ و ۶، ص ۱۱، سپتامبر ۱۹۶۴

هیچ يك از پیام های عشق و حقیقت قادر نیست که حتی طالب را به سوی تجربه آن ها بیاورد. ولی ختم سکوت من، پرده جهالت طالب را پاره نموده و معنی حقیقی آن را بر او آشکار خواهد نمود.

برگرفته از کتاب همه چیز و هیچ چیز، پاراگراف ۴۵، ص ۴۸، چاپ استرالیا

هنگامی که يك اتم شکافته شد، مقدار بسیار زیادی انرژی کشف گردید، بدینسان وقتی که سکوت من شکسته شود و آن کلمه را ذکر نمایم، دانش بی پایان جاری خواهد شد.

زمانی که يك بمب اتمی به زمین پرتاب گردد، موجب خرابی وسیعی می گردد، همین طور وقتی که آن کلمه را بر زبان جاری سازم، در اثر برخوردش به دنیا، تباهی و خسارت عظیم مادی و حتی ساختمان ها و غیره را به دنبال خواهد داشت، ولی تحولات بسیار بزرگ روحانی نیز در بر خواهد داشت که جانشین خرابی ها می گردد.

برگرفته از کتاب «با خدا بمان (Stay With God)»، اثر فرانسیس برابازان، ص ۶۵ و ۶۶

خدا در عالم بی حد و حصر خود، شبیه اقیانوس آرام و بی حد و کران است. هوس خدا برای دانستن اینکه او کیست (من کیستم) به طور صدا ظاهر گشت. این اقیانوس صدا از خدا است و شامل تجربه، قدرت و مسرت الهی می باشد. خروج این صدا از آن نقطه ای که نقطه ام یا آفریده ی صدا نامیده شده است، عوالم دل، نیرو و مادیات را پدیدار نموده است. اولین اقیانوس صدا ریشه تمام اجسام، حیوانات و انسان است و به طور همیشگی به آن مربوط بوده و زندگی خودشان را از آن کسب می نمایند. وقتی که

شخص لب‌های خود را بسته و بخواهد صدایی تولید کند، صدایی شبیه به «م م ... م» تولید می‌گردد. این «م م ... م» اساس و شالوده همه کلمات گفته‌شده می‌باشد.

این «م م ... م» همه احساساتی که نماینده درد و غصه و خوشی است را دارا بوده و نیز نماینده افکاری است که ظاهر می‌شوند و دارای چنان ظرفیتی است که می‌تواند همه سؤال و جواب‌ها را در برگیرد. این «م م ... م» يك جزء بسیار ضعیف از صدای اقیانوس است. این «م م ... م» یا کلمه خدایی با هفت انعکاس (سایه) از اقیانوس دور گشته و جدا شده است.

اگر تمام عالم ناسوت که ما در آن هستیم به صورت يك زنگ عظیمی بود، صدایش نسبت به صدای اقیانوس بیشتر از صدای ضعیف زنگ معمولی که از دور شنیده شود نبود. صدای قطره با صدای اقیانوس فرقی ندارد. قطره همان دریا است و جز دریا بودن نمی‌تواند چیز دیگری باشد، فقط خود را به سبب جدایی به صورت قطره می‌آزماید.

این جدایی يك جدایی تقسیمی نیست بلکه در اثر نقوش اعمال پدیدار شده است. (چون کلمات، نقوش این «م م ... م» هستند و مانند قطره‌ای می‌باشند که از اقیانوس «م م ... م» جدا شده‌اند، سایر حس‌ها نیز از قوای مشابه اقیانوس می‌باشند).

این «م م ... م» اصلی اقیانوس به «برهما ناد» یعنی کلمه خدا یا «انحد ناد» یعنی صدای نامحدود موسوم است. این نغمه به طور پیوسته جاری است و ریشه ازلی و دلیل همه دلایل است. این نغمه، قدرت کل، دانش کل و مسرت کل را می‌آزماید ولی «م م ... م» قطره از همین ذات است و به هیچ وجه تفاوتی با «م م ... م» اقیانوس ندارد و دائماً به آن متصل است. به واسطه هفت پرده جدایی، احساس جدایی می‌نماید و اینکه او خیلی ضعیف است، خیلی نادان است و خیلی ناشاد است، گرچه بعضی اوقات او ادعای قدرت، معرفت و مسرت می‌نماید.

در زمان فعلی، ازدیاد کلمات آن‌ها را بی‌معنی ساخته و تمام بیانات سابق من که به صورت دستورهای بوده، بدون اعتناء مانده یا آن‌ها را تغییر شکل داده‌اند، لذا من سکوت اختیار نموده‌ام.

هنگامی که سکوت من شکسته شود و شروع به حرف زدن نمایم، همین «م م ... م» اصلی اقیانوس است که با دهان بشری خود ذکر خواهم کرد.

چون هستی کلیه اجسام و الفاظ، این صدای اصلی است و دائماً به آن وابسته است، وقتی که این کلمه توسط من ادا شود، به تمام انسان‌ها و حیوانات انعکاس یافته و همه آن‌ها خواهند دانست که من ختم سکوت کرده و آن کلمه را ذکر نموده‌ام. تأثیر این کلمه در افراد بشر و عکس‌العمل آن‌ها نسبت به این کلمه، طبق ظرفیت هر دل، جداگانه و متفاوت خواهد بود.

این عکس‌العمل به همان اندازه آنی و متفاوت است که عکس‌العمل مردمان حاضر در يك اتاق که به طور ناگهانی ماری سمی و بزرگ از آن بگذرد. در آن لحظه بعضی‌ها خود را باخته و از ترس می‌خندند، بعضی به کلی کنترل خود را از دست می‌دهند و عده‌ای به دلیل شهامت و شجاعت، بدون دلیل احساس امید و خوشی در قلب خود می‌نمایند.

برگرفته از کتاب «خدا - انسان»

تحقیر و توهین من، منجر به ختم ناگهانی سکوت من خواهد شد و کلمه‌ای که فقط خدا می‌تواند بگوید، ذکر می‌گردد. مرحله سوم، تجلیل و اعزاز و عزت من است که جای تحقیر و توهین را می‌گیرد. تمام نا محدودیتی که در وجود من محصور است، مانند اشعه آفتاب از من طلوع نموده و در جهان گسترده خواهد شد. مهربابا به دکتر دانکین فرمودند که برود پشت میکروفون و این مطلب را چون خیلی مهم است توضیح بدهد. دکتر دانکین مقابل میکروفون قرار گرفت و پیام بابا را این طور توضیح داد:

بابا مایل اند راجع به بمب اتمی مثالی بیاورند. همان طوری که بمب اتمی کوچک بوده ولی وقتی منفجر گردد، خرابی زیادی تولید و تباهی بزرگی به وجود می‌آورد، هنگامی که بابا سکوت خود را بشکند، در تمام دنیا انقلاب روحانی بزرگی صورت خواهد گرفت که هیچ کس قادر نیست حتی آن را بیان نموده و شرح دهد. این حادثه در یک ثانیه روی خواهد داد و هنگامی پیش خواهد آمد که هیچ کس متوقع چنین پیشامدی نیست.

همان طوری که زلزله ناگهانی می‌رسد و هیچ کس از آمدن زلزله آگاهی ندارد و کسی نمی‌تواند کاری بکند، فقط هر کس در نقطه حدوث زلزله، آن را احساس نموده و درک می‌کند. ختم سکوت بابا انقلابی در عالم ایجاد خواهد نمود و هر کس در دل خود آن را احساس نموده و از آن باخبر خواهد شد.

برگرفته از کتاب «خدا - انسان»

مرحله تجلیل و اعزاز (نورانی شدن) هنگامی خواهد بود که من سکوت خود را با واژه خدایی خاتمه دهم. کلمه‌ای که بدون چون و چرا وجود خدا را در قلب افراد بشر نشان می‌دهد و جهانیان را وادار می‌کند که نه تنها بدانند خدا موجود است، بلکه دریابند که یگانه ذات نامتناهی و ازلی او تنها هستی جهان است.

برگرفته از کتاب «خدا - انسان» و مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم، شماره ۱، ص ۳۴

حالا وقت آن است که ایشان (فرزندان من) از حضور پدرشان که در میان آنها است، باخبر گردند و همچنین از مسئولیت خود در حق پدرشان آگاه گردند.

من سکوت را خواهم شکست و با کلمه‌ی کلمات خود، فرزندانم را بیدار خواهم کرد تا در حیات خویش آن هستی بخش یکتا که خدا است را دریافته و پی به ذات او ببرند.

برگرفته از کتاب «خدا - انسان»

هنگامی که من سکوت خود را بشکنم، تمام دل‌هایی که با من تماس گرفته‌اند، با عشق و محبت روشن خواهند شد.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۴، ص ۳۴

من به اندازه‌ای نامتناهی هستم که خودم نمی‌توانم به نامحدودی خود پی برم. سایه من (خلقت) نیز به اندازه‌ای بی‌انتها است که وقتی من خواستم با چشم ظاهری خود تمام آن‌هایی که از من خلق شده‌اند را ببینم نتوانستم. دانشمندان جهان به‌زودی برخی از گفته‌هایم را کشف خواهند کرد.

۱۸۰۰۰ عالم وجود دارد که در همه آن‌ها نوع بشر زندگی می‌کند. در بعضی از آن‌ها مردمان بسیار باخرد و هوشیار و در برخی مردمان کم ادراک تر و باز در پاره‌ای دیگر از این عوالم، مردمان بسیار کم‌هوش زندگی می‌کنند. افرادی که در این عوالم به سر می‌برند، هیچ تجربه‌ای از عالم جبروت و ملکوت ندارند و برای کسب تجربه از عالم جبروت و ملکوت، مردمان آن عوالم باید در این دنیا متولد شده و متجسم گردند.

هم‌اکنون يك عصر و زمان اوتاری است و زمان مخصوص اوتاری است. پیش از ختم سکوت، علوم دنیوی و عناصر ضد خدا به حداکثر درجه خواهند رسید، لذا ظهور من هم بزرگ‌ترین ظهور خواهد بود.

شکستن سکوت من به‌اندازه انفجار صدها هزار بمب اتمی قدرت خواهد داشت. امروزه علوم دنیوی دارد به منتها درجه پیشروی می‌کند، علتش آن است که جان‌های بسیار زیاد دانشمندان عوالم دیگر به این جهان نزول و مهاجرت می‌کنند، چون می‌خواهند در زمان اوتار در جسم انسان در این عالم موجود باشند و در نتیجه جمعیت ما روزافزون می‌گردد. فقط یک چیز را به خاطر داشته باشید: همه چیز فانی و مجاز است، تنها خدا حقیقی است و من خدا هستم در جسم بشر.

مجله‌ی بیدار کننده، سال نهم - شماره ۱ و ۲، ص ۲۱

چگونه می‌توانم ساکت باشم؟ من با زبان خود حرف نمی‌زنم، من دائماً با دل خودم حرف می‌زنم، اما بعد از آنکه من لب‌هایم را برای گفتن آن کلمه بگشایم، همه اتفاقی خواهد افتاد. هر چیزی وارونه و درهم و برهم خواهد شد،

ولی دل‌های جهانیان آن کلمه را خواهد شنید، وقت آن خیلی نزدیک است.

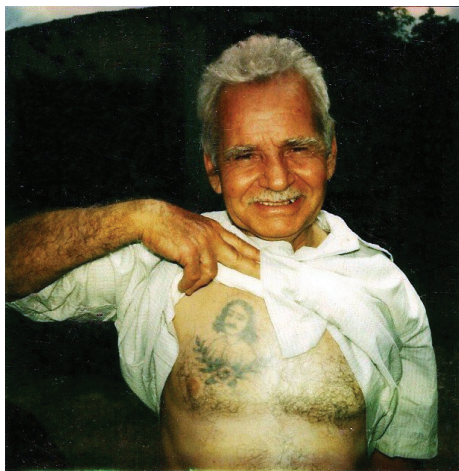
آرتی

علی اکبر شاپور زمان یزدی (آلوبا) ۱۳۵۰/۳/۲۸

مهربابا مظهر حق، مالک و پروردگار
 پاک یزدانی خدا انسان، تویی آمرزگار
 تو زراتشت، رام، عیسی و محمد هم تویی
 ایزدی دادار اهورمزد، خالق لیل و نهار
 هستی مسجود ملائک، باشی معبود بشر
 در کلیسا و گُشتند عاشقانت بی قرار
 می ستاییم، می پرستیم، ما تو را از جان و دل
 بوسه زن بر آستانت، ما شب و روز بار بار
 تو چراغ مهر و ایمان در دل و جانمان فروز
 تا ز تو روشن شویم و راه یاب ای نامدار
 ای خدا انسان تو اعمال بد ما را بسوز
 جز تو نبود دیگری ما را یار و غمگسار
 دیده حق بین بده، بینیم جمال اصلیت
 چشم جسمی را نباشد طاقت دیدار یار
 ذره ای از نور تو جاننا! اگر تابد به دل
 تابش دلمان کند خورشید عالم شرمسار
 بندگی و آرتیمان را ز لطف خود پذیر
 ما ثناخوان تویم در هر مکان و هر دیار
 کی توانیم، ما ستاییمت، خدای مهربان!
 آنچه در شأن تو گفتیم، یک بود اندر هزار (۲)

علی اکبر شاپور زمان یزدی (آلوبا)

در دوازدهم جولای سال ۱۹۱۶ در شهر یزد چشم به جهان گشود



در جولای ۱۹۲۷ علی اکبر در سن ۱۱ سالگی برای درس خواندن در مدرسه مهر در مهرآباد، به هندوستان آمد. او یکی از دانش آموزانی بود که مهربابا به ایشان اجازه ورود به مدرسه پرم اشرام (مدرسه عشق بابا) را دادند. بعد از ده ماه عموی او از بمبئی آمد و او را با خود برد.

او برای درس خواندن در مدرسه پرم اشرام در ژوئن

۱۹۴۹ به مهرآباد برگشت. در طی دوران زندگی نوین، مهربابا برای علی اکبر اسمی انتخاب نمودند که از آن به بعد او را به این اسم یعنی آلوبا صدا می زدند. همچنین مهربابا او را الکتریسته نامید چراکه دستورهایی که مهربابا به ایشان می دادند را به سرعت برق انجام می دادند.

آلوبا یکی از اعضای مندلی های مرد مهربابا بود. او مرد خوشبخت و سعادتمندی بود چراکه بسیار به مهربابا نزدیک گردیده بود.

مهربابا به آلوبا شانس ویژه ای را عطا نمودند که برای همیشه با ایشان در مهرآباد زندگی کنند.

سرانجام در تاریخ ۱۳ اوت ۲۰۰۲ به پیش محبوب همیشگی شان، اوتار مهربابا برگشتند و پیکر مبارک شان را در قطعه ای مندلی های مرد مهرآباد به خاک سپردند.